

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: تتمه احکام غسل

موضوع جزئی: حکم اجتماع اغسال متعدده بر مکلف

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۲۴ آبان ۱۴۰۱

مصادف با: ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۲۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۷۰۰ بود، عرض شد که مرحوم سید (ره) در ذیل این مسأله نوشته است که اگر مکلف انجام بعضی اغسال و عدم تحقق بعض دیگر را نیت کند، هم صحت آن غسلی که انجام می دهد اشکال دارد و هم کفایت آن غسل از سایر اغسال که عدم تحقق آنها را نیت کرده است، اشکال دارد و این مبتنی بر این است که اغسال، طبیعت واحده دارند که در این صورت، وقتی فرد محقق شود، طبیعت نیز محقق می شود و لذا معنا ندارد که شخص، عدم تحقق بعضی از اغسال را نیت کند زیرا با انجام غسل واحد، آن غسل از همه اغسالی که بر ذمه مکلف اند، کفایت خواهد کرد بنابراین، اگر مکلف هنگامی که غسل می کند، تحقق بعضی از غسل های را که بر ذمه اش است، نیت کند و عدم تحقق بعض دیگر را نیت کند قاعده مذکور [که اغسال طبیعت واحده دارند] را زیر سؤال می برد چون این گونه نیت کردن از طرف مکلف به معنای این است که فرد، محقق شده است ولی طبیعت، محقق نشده است و این خلاف قاعده است لذا صحت خود آن فرد از افراد طبیعت غسل که انجام شده است نیز زیر سؤال می رود چون قاعده این است که فرد، مصداق برای کل طبیعت است، لکن در فرض مذکور، فرد، مصداق برای کل طبیعت نیست و لذا وقتی فرد، مصداق برای کل طبیعت نباشد، فردیت خودش نیز زیر سؤال خواهد رفت چون فرد از طبیعت منفک نمی شود، لکن در فرض مذکور که شخص، تحقق بعضی از غسل ها و عدم تحقق بعضی دیگر را نیت می کند، فرد را از طبیعت منفک کرده است در نتیجه، آن غسلی که انجام شده است نیز محل اشکال خواهد بود. در این صورت، شخص باید غسل دیگری به رجاء مطلوبیت و قصد ما فی الذمه انجام بدهد تا به وسیله آن غسل، قطع به امتثال پیدا کند زیرا یا غسلی اولی که مکلف انجام داده است، صحیح واقع شده است در نتیجه، همه اغسالی که بر ذمه اش بوده اند، مرتفع شده اند یا اینکه آن غسل اولی که انجام داده بود، باطل بوده است، پس غسل دوم که انجام داده است، صحیح واقع شده است و به وسیله آن، همه اغسالی که بر ذمه اش بوده اند، مرتفع می شوند.

در ادامه به نظر مرحوم آیت الله خویی (ره) اشاره شد و عرض شد که به نظر ایشان، غسلی که شخص انجام می دهد، صحیح است و از سایر اغسال نیز مجزی است، اعم از اینکه حقیقت اغسال، واحد باشد یا متعدد باشد.

صحت غسل در فرض وحدت طبایع اغسال

صحت غسل واحد از سایر اغسال، در فرضی که طبایع اغسال، طبیعت واحده باشند [کما اینکه ظاهر کلام مرحوم سید (ره) نیز همین است]، به این خاطر است که قصد قربت از غسلی که مکلف انجام داده است، متمشی شده است؛ به این نحو که یا غسل، فی نفسه نزد شارع محبوبیت دارد و محبوب نفسی است یا چون غسل، به داعی اینکه در سلسله وجود واجب نفسی قرار دارد، انجام شده است [، یعنی جنبه مقدمیت برای واجب نفسی دارد]، قصد قربت از آن متمشی می شود و لذا با انجام آن طبیعت (غسل)، به قصد قربت، موجبی برای بطلان غسلی که انجام شده است، وجود ندارد، پس در فرضی که طبایع اغسال، طبیعت واحده باشند، مشکلی در صحت غسلی که انجام شده است، نیست.

دلیل اجزاء غسل انجام شده از سایر اغسال

اما در رابطه با اینکه غسل انجام شده در فرض مذکور [که مکلف در هنگام غسل کردن، تحقق بعضی از اغسال و عدم تحقق بعضی دیگر را قصد کرده است]، از بقیه اغسال نیز مجزی است یا مجزی نیست، عرض می‌شود که این اجزاء و عدم اجزاء، دو حکم شرعی می‌باشند که از اختیار مکلف خارج‌اند و در اختیار شارع مقدس می‌باشند. پس قصد کردن مکلف، تحقق یک غسل را [، مثل غسل جنابت] و عدم تحقق غسل دیگر یا قصد عدم غسل دیگر [، مثل غسل مس میت] یکسان است و چون شارع به بی‌نیازی غسل واحد از جمیع اغسال [که بر ذمه مکلف است] حکم کرده است، چاره‌ای جز اسقاط اغسال دیگر با انجام غسل واحد نیست، چه مکلف تحقق اغسال دیگر را قصد کرده باشد و چه عدم تحقق آنها را قصد کرده باشد.

البته اگر مکلف هنگام غسل کردن، نیت کند که غسلی را انجام می‌دهد که شرعاً نسبت به آنچه که تحقق آن را قصد کرده، رافع می‌باشد و همچنین، نسبت به بقیه اغسالی که عدم تحقق آنها را قصد کرده است، غیر رافع می‌باشد، در این صورت، تشریع و حرام است چون مکلف غیر رافعیّت غسل انجام شده از سایر اغسال را به شارع مقدس نسبت می‌دهد، در حالی که در شریعت، غسل واحد، غیر رافع از بقیه اغسال قرار داده نشده است [، بلکه شارع گفته است که غسل واحد از سایر اغسال نیز مجزی است] پس در این صورت، به بطلان غسل انجام شده حکم می‌شود و بطلان آن به این خاطر است که تشریع و حرام است، ولی این امر خارج از محل کلام است زیرا بحث در موردی است که مکلف، غسل واحدی را به قصد اینکه رافع سایر اغسال نباشد بجا می‌آورد و اما اسناد عدم رافعیّت آن غسل به شارع، امری دیگر است.

صحت غسل در فرض تعدّد طبایع اغسال

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که اگر ما باشیم و خودمان، به وحدت طبایع اغسال حکم می‌کنیم زیرا غسل و آبی که استفاده می‌شود، در جمیع اغسال، واحد است، کما اینکه کیفیت غسل در همه اغسال به یک نحو است زیرا غسل یا به نحو ارتماسی انجام می‌شود یا به نحو ترتیبی انجام می‌شود، کما اینکه حال نماز ظهر و عصر یا نماز قضا و آدا نیز این گونه است زیرا این دو طبیعت واحدند و اختلافی بین آنها نیست الا اینکه روایاتی وارد شده‌اند که بر تعدّد طبیعت ظهر و عصر در نزد شارع دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ فَقَالَ: «إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ جَمِيعاً إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ ثُمَّ أَنْتَ فِي وَقْتٍ مِنْهُمَا جَمِيعاً حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ»^۱.

روایت دوم: عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا (ع): ذَكَرَ أَصْحَابُنَا أَنَّهُ إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَإِذَا غَرَبَتْ دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ وَأَنَّ وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِلَى رُبْعِ اللَّيْلِ فَكَتَبَ: «كَذَلِكَ الْوَقْتُ غَيْرَ أَنْ وَقْتُ الْمَغْرِبِ ضَيِّقٌ»^۲.

روایت سوم: عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ»^۳.
مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که تعبیر «إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ» که در این روایات آمده است حاکی از تعدّد طبیعت ظهر و عصر در نزد شارع است و از اینکه دو تا اشاره در این عبارت آمده است، فهمیده می‌شود که مشارئیه به «هذه» اول، غیر از مشارئیه

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب المواقیت، باب ۴، ص ۱۲۶، ح ۵.

۲. همان، ص ۱۳۰، ح ۲۰.

۳. همان، ح ۲۱.

به کلمه «هذه» دوم است و الا [که اگر مشاراًلیه هر دو یکی بود] معنایی برای اشاره به هر دو نبود، هرچند که به نظر می‌رسد که صرف وجود دو اشاره [که یکی به نماز ظهر و دیگری به نماز عصر اشاره داشته باشد]، بر اینکه حقیقت این دو مختلف باشد، دلالت نمی‌کند]. همچنین، تعدّد طبیعت در قضا و آدا نیز وجود دارد و این تعدّد طبیعت از استحباب یا وجوب تقدیم قضا بر آدا استفاده می‌شود و اینکه اگر مکلف در اثناء آدا یادش بیاید که قضا بر عهده‌اش است باید به قضا عدول کند، بر تعدّد طبیعت این دو (قضا و آدا) دلالت می‌کند و الا که اگر هر دو یک طبیعت واحده بودند، تقدیم شیء واحد بر خودش، از باب استحباب یا وجوب معنا نداشت [چون تقدیم شیء بر خودش محال است]، در حالی که همان‌گونه که عرض شد قضا از باب استحباب یا وجوب، بر آدا مقدم است و خود این استحباب یا وجوب تقدیم، حاکی از تعدّد طبیعت قضا و آدا می‌باشد. در مانحن‌فیه نیز بحث از همین قرار است و ظاهر این است که اغسال، طبایع متعدده می‌باشند و این تعدّد از روایت صحیح زراره [که سابقاً نیز به آن اشاره شد] فهمیده می‌شود؛

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَأَكَ غُسْلُكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْحِجَامَةِ وَعَرَفَةَ وَالنَّحْرِ وَالْحَلْقِ وَالذَّبْحِ وَالزِّيَارَةِ فَإِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقُ أَجْزَائِهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: «وَكَذَلِكَ الْمَرْأَةُ يُجْزِيهَا غُسْلٌ وَاحِدٌ لِجَنَابَتِهَا وَإِحْرَامِهَا وَجُمُعَتِهَا وَغُسْلِهَا مِنْ حَيْضِهَا وَعِيدِهَا»^۱.

قول امام (ع) که فرموده است «فَإِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقُ» بر تعدّد طبایع اغسال دلالت دارد زیرا اگر اغسال متعدده، طبیعت واحده باشند و حقیقت واحده داشته باشند از آنها به «حقوق» تعبیر نمی‌شود.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۴۳، ص ۲۶۱، ح ۱.